

## محدودیت‌های بکارگیری مبنای تعهدی در بخش عمومی کشور ایران

دکتر محمدحسین صفرزاده

استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.

hosein470@gmail.com

پرستو دهپور

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

p\_dehpour@sbu.ac.ir

### چکیده

گذار به حسابداری تعهدی در بخش عمومی به صورت عملی در دهه ۱۹۹۰ میلادی آغاز شد. این حرکت به دلیل اثبات سودمندی حسابداری تعهدی در بخش عمومی به واسطه مطالعات علمی و تجربه‌های عملی انجام گرفت. ملاحظه شده است که مناسب ترین مبنای قابل استفاده در حسابداری بخش عمومی، مبنای تعهدی کامل یا حداقل تعهدی تعدیل شده است. اما، به رغم تحولات دو دهه اخیر در زمینه حسابداری و گزارشگری مالی بخش عمومی در جهان، هنوز در ایران از مبنای حسابداری نقدی تعدیل شده استفاده می‌شود و حتی اصلاحات ایجاد شده در نظام بودجه بندی کشور نیز این وضعیت را تغییر نداده است. در این مقاله ضمن بررسی سیستم تعهدی و نقدی و موانع گذار به سمت سیستم حسابداری تعهدی، شرایط موجود در سیستم دولتی کشور ایران شرح داده شده و همچنین عوامل عدم پیاده سازی مبنای تعهدی مطرح شده است. در نهایت بر اساس مطالب مربوطه، مناسب بودن سیستم های حسابداری نقدی و تعهدی در ایران ارزیابی می‌گردد.

**واژگان کلیدی:** سیستم حسابداری نقدی، سیستم حسابداری تعهدی، موانع گذار به سیستم تعهدی، شرایط فعلی کشور ایران.

### مقدمه

هدف نهادهای بخش دولتی ارائه خدمات به شهروندان است. آنها در یک محیط خاص کار می‌کنند و بنابراین، سیستم حسابداری آنها با آنچه مورد استفاده بنگاه‌های اقتصادی است متفاوت است و توسعه آن از نظر مقایسه صورتهای مالی بین دولتهای مختلف به سمت دستیابی بیشتر به ارتباطات مالی بین المللی پیش می‌رود (اسکات، ۱۹۹۶). انتخاب مبنای حسابداری در بخش عمومی به دلیل تاثیر آن بر اطلاعات ارائه شده به استفاده کنندگان بسیار با اهمیت است. بودجه‌ها و تخصیص های دولت به طور سنتی بر مبنای نقدی تدوین می‌شده است. این اولین عاملی بود که منجر به حاکمیت مبنای نقدی در حسابدار دولتی شد. محبوبیت مبنای نقدی در حسابداری دولتی برخاسته از نیاز پارلمان یا دیگر گروه‌های نماینده رای دهندگان برای نظارت بر جمع آوری و وصول مالیات ها و به تبع آن، نحوه خرج کردن این وجوه دریافتی توسط دولت در هر دوره مالی بوده است. استفاده کنندگان از صورت های مالی دولت به طور فزاینده ای انتظار دارند که دولت ها اطلاعاتی درباره دارایی ها، بدهیها، و تاثیر مصارف جاری بر خالص دارایی های نگهداری شده شان را فراهم کنند. اما حسابداری نقدی برای تهیه چنین اطلاعاتی طراحی نشده است (لاگلین، ۱۹۹۱).